

تأثیر اعتقاد به منع اسراف

در مخارج مصرفی

مطالعه موردی: شهر یزد*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۲۲ تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۱۱/۱۴

میثم موسایی**

چکیده

مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که درجه اعتقاد به منع اسراف در جامعه مورد مطالعه چه اندازه است؟ و در عمل چه اندازه به منع اسراف پایبند هستند؟ آیا رابطه معناداری بین متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای جامعه مورد مطالعه با میزان اعتقاد و میزان التزام به منع اسراف وجود دارد یا نه؟

روش مورد مطالعه، انجام پیمایش با نمونه ۴۰۰ خانواری از مردم شهر یزد بوده که به‌طور کامل به‌صورت تصادفی انتخاب شده و اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. نتیجه به‌دست آمده حاکی است که حدود ۵۷ درصد از خانوارهای مورد مطالعه به‌طور کلی مرتکب اسراف در مصرف و مخارج مصرفی می‌شوند و هرچه میزان اعتقاد به منع اسراف کمتر می‌شود میزان

* این مقاله از طرح تحقیقاتی مصوب معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران که با بودجه دانشگاه تأمین شده استخراج شده است.

Email: mousaei1967@yahoo.com

** دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران.

اسراف افزایش می‌یابد. میزان اعتقاد و التزام به منع اسراف به صورت رفتار مصرفی با برخی از متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای مانند جنس، سن، وضعیت تأهل، نوع شغل، میزان درآمد و میزان مخارج خانوار رابطه معنادار دارد.

واژگان کلیدی: یزد، مصرف، اسراف، مخارج مصرفی، اقتصاد دینی و کاربرد الگوی مصرف اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: I32

مقدمه

منع اسراف، یکی از رفتارهای مصرفی خاص در جامعه اسلامی شمرده می‌شود، در جامعه ما در مصرف بسیاری از کالاها و خدمات دچار اسراف و تبذیر هستیم مصرف متوسط انرژی در کشور، بیش از سطح مصرف متوسط جهانی است. مصرف متوسط خوراک، به‌ویژه مصرف نان همراه با ریخت و پاش فراوان است. همه این موارد در حالی است که در جامعه ما افرادی یافت می‌شوند که از حداقل کالاهای اساسی مانند تغذیه، پوشاک و مسکن مناسب برخوردار نیستند و هزاران نفر دچار فقر مطلق یا نسبی هستند، بررسی کاربردی اسراف و وضعیت آن در جامعه‌مان از این نظر به ادبیات مربوط به اقتصاد اسلامی کمک می‌کند که نشان می‌دهد که احکام اقتصادی، اصول اقتصادی و موضوع‌های مطروحه در اقتصاد اسلامی صرفاً بحث‌های نظری یا ذهنی نیستند بلکه واقعیت‌هایی هستند که در جامعه ما عمل به آن‌ها از موضوعیت کافی برخوردار است.

در مقاله ابتدا اشاره مختصری به ادبیات مربوط به اسراف و چهارچوب نظری خواهیم داشت و سپس نتیجه‌های یک تحقیق میدانی درباره اسراف و عامل‌های زمینه‌ای مؤثر بر آن با دیدی اجتماعی بررسی شده و سرانجام از بحث‌های طرح شده نتیجه‌گیری خواهد شد.

ادبیات موضوع

در تمام کتاب‌هایی که در اقتصاد اسلامی درباره مصرف به رشته تحریر درآمده، اشاره‌هایی به اسراف شده است. برخی از این آثار هم به‌طور مستقل تحت عنوان اسراف هم به رشته تحریر درآمده‌اند.

بررسی مسائل مربوط به جنبه‌های نظری اسراف، تبذیر سرمایه (رفیعی‌محمدی، ۱۳۷۶؛

محمودی، ۱۳۶۲)، حیف و میل بیت‌المال و اسراف از نظر قرآن و اهل بیت (مطهر، ۱۳۸۰)،

مسائل مربوط به اسراف، تذبذب رابطه آن با مالکیت و فاصله طبقاتی (احسانی، ۱۳۷۷)، رابطه بین اسراف و قناعت (غروی، ۱۳۶۸)، صرفه‌جویی و اسراف (سیدعلوی، ۱۳۷۶)، فقر و اسراف (بیستونی، ۱۳۷۷) از جمله موضوع‌هایی است که برخی از محققان اقتصاد اسلامی به آن پرداخته‌اند.

در ذیل بحث‌های مصرف در اقتصاد اسلامی نیز بحث اسراف مطرح شده است درباره مصرف اسلامی بیش از شصت اثر قابل توجه به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی نوشته شده است (کتابشناسی اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۳: ۵۱۳).*

مصرف بهینه در اسلام (Ebrahim, M, 1999)، الگوی مصرف اسلامی (Khan, M. 1985, 1983, 1980) نیازهای اساسی در مصرف (Solan, A, 1987) و رفتارهای مصرفی در اسلام (Monzar, 1981) از مهمترین مقوله‌هایی است که در متن‌های خارجی یافت می‌شود و کوشش همه آن‌ها بنانهادن یک نظریه در حوزه مصرف اسلامی بوده است. برخی از این نظریه‌ها به زبان فارسی نیز ترجمه شده است (ر.ک: سیزده تن اندیشمند و اقتصاددان مسلمان، ۱۳۷۵).

در هیچ‌یک از مقاله‌ها و نوشته‌های پیش‌گفته کار عملی درباره اندازه‌گیری اسراف صورت نگرفته است. به هر حال می‌توان نوشته‌های پیش‌گفته را به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست، بحث‌های است که به‌طور عمده جنبه فقهی دارد و در آن‌ها شرح و بیان آیه‌ها و روایت‌هایی درباره حکم اسراف، حدود مفهومی اسراف، آثار اسراف و مسائلی از این قبیل آمده است؛ دسته دوم بحث‌های است که به‌طور عمده درباره به‌کارگیری مفهوم اسراف در نظریه مصرف‌کننده مسلمان است که در آن‌ها به‌صورت کلی از اسراف به‌صورت یکی از حدود مصرف استفاده شده است. این بحث‌ها بیشتر جنبه اقتصادی دارند.

در هیچ‌یک از دو دسته پیش‌گفته اسراف تعریف عملیاتی نشده و برای همین اندازه‌گیری نشده است. گرچه در هر دو دسته پیش‌گفته اسراف به‌صورت یکی از محدودیت‌ها و قیدهای سطح مصرف آمده است. آنچه در مقاله حاضر آمده است بررسی

* برای نمونه می‌توان افزون بر موردهای که پیش از این اشاره شد به منابع ذیل رجوع کرد: (ابراهیمی، ۱۳۷۵؛ محمدی‌اشتهادی؛ ۱۳۶۹؛ توانائیان‌فرد، ۱۳۵۸؛ موسایی، ۱۳۷۴؛ محمودی، ۱۳۶۲ و سیدعلوی، ۱۳۷۶).

جنبه عملی «اصل منع اسراف» است که به طور قطع یکی از مهمترین اصول مقیده اسلامی در حوزه مصرف از دیدگاه اقتصاد اسلامی است و رعایت نکردن آن در بسیاری از زمینه‌ها به یک مشکل اساسی برای جامعه ما نیز تبدیل شده است.

چارچوب نظری

اسراف در لغت به معنای ریخت و پاش مال و افراط در مصرف و تجاوز از حد اعتدال است (مفردات راغب و منجد/الطلاب، ماده سرف). در اقرب الموارد، اسراف ضد میانه‌روی و تجاوز از حد و اعتدال است. در قاموس قرآن اسراف به معنای تجاوز از حد معنا شده و آمده که استعمال آن در قرآن همه جا از باب افعال است. مانند قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ... (زمر (۳۰)، ۵۳) که به معنای این است که با گناهان بر نفس اسراف صورت می‌گیرد. در قرآن کریم در بیست و سه مورد اسراف و مشتقات آن به کار رفته که در همه آن‌ها به معنای تجاوز از حد یا حدود الهی است.*

دست کم در پنج مورد منظور از اسراف، اسراف در مسایل مادی از جمله مخارج مصرفی است و در آن‌ها انسان‌ها دعوت به مصرف شایسته شده و از اسراف نهی شده‌اند و اسراف‌کنندگان اهل آتش شمرده شده‌اند.

در روایت‌ها به صورت بسیار فراوانی مفهوم، بُعدها، مصداق‌ها، حد‌ها و اثرهای اسراف آمده، نویسنده در جای دیگری آن‌ها را به صورت مفصل بررسی کرده است (موسایی، ۱۳۸۰)

* و كذلك نجزي من أسرف ولم يؤمن بآيات الله ... (طه (۲۰)، ۱۲۷)؛ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ... (زمر (۳۰)، ۵۳)؛ وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا (انعام (۶)، ۱۴۱)؛ كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ... (اعراف (۷)، ۳۱)؛ فَلَا يَسْرِف فِي الْقَتْلِ ... (اسراء (۱۷)، ۳۳)؛ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا ... (فرقان (۲۵)، ۶۷)؛ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا ... (نساء (۴)، ۶)؛ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا ... (آل عمران (۳)، ۱۴۷)؛ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ (غافر (۴۰)، ۲۸)؛ كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ (غافر (۴۰)، ۳۴)؛ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (مائده (۵)، ۳۲)؛ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (اعراف (۷)، ۸۱)؛ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ... (يس (۲۶)، ۱۹)؛ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام (۶)، ۱۴۱)؛ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف (۷)، ۳۱)؛ كَذَلِكَ زِينٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ... (يونس (۱۰)، ۱۲)؛ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ... (يونس (۱۰)، ۸۳)؛ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (انبیاء (۲۱)، ۹)؛ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (شعراء (۲۶)، ۱۵۱)؛ وَأَنْ مَرَدْنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (غافر (۴۰)، ۴۳)؛ أَفَنْضِرُ بِعَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (زخرف (۴۳)، ۵)؛ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ (دخان (۴۴)، ۳۱)؛ مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (ذاريات (۵۱)، ۳۴).

و علاقمندان را به منابع پیش‌گفته ارجاع می‌دهیم و برای جلوگیری از اطاله کلام فقط به برخی از نتیجه‌های پیش‌گفته که به تعریف عملیاتی اسراف کمک می‌کند می‌پردازیم.

آنچه به‌طور اجمال از معنای اسراف از مجموع روایت‌ها استنباط می‌شود این است که هرگونه مصرفی که به‌صورت آشکار و عرفاً از حد متعارف و شأن فرد بیشتر باشد اسراف نام دارد و نتیجه آن، اتلاف منابع و فقر در جامعه است. اسراف در اسلام فقط مختص به امور مادی و اقتصادی نیست و هرگونه افراط در رفتار و اعمال انسان، اسراف تلقی می‌شود منطبق اصلی منع اسراف این است که اسراف خلاف طبیعت انسانی است و انسان بنا بر طبع سالم نخستین خویش به هیچ‌یک از دو طرف افراط و تفریط میل ندارد و از آن‌جا که اسراف خروج از حد الهی و فطری است بنابراین می‌توان گفت شخص مسرف، شخصی غیرمعتدل است که در راه فطرت انسانی حرکت نکرده بلکه از آن خارج شده است، و همان‌طور که افراط در بُعدهای شخصیتی انسان باعث می‌شود که انسان توازن و تعامل خودش را از دست بدهد در امور اقتصادی نیز اسراف باعث پدید آمدن عدم تعادل می‌شود و این امر غیرعقلایی است که در بسیاری از روایت‌ها نیز عدم اسراف، نوعی عقلایی عمل کردن معرفی شده است (همان).

شایان توضیح است که حد اسراف در برخی از روایت‌ها به حد کفاف معرفی شده است. در این رابطه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ما فوق الکفاف اسراف (غرر، بی تا: ۲، ۷۳۷).

و در برخی روایت‌ها به بیش از حد وسط که همان اقتصاد است معرفی شده است.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

کل مازاد علی الاقتصاد اسراف (همان: ۵۴۷).

مصرفی که بیش از حد اقتصاد است، اسراف است.

در روایت‌ها و متن‌های دینی کلمه اقتصاد به معنای میانه و «حد وسط» است که از لحاظ

کمی کوتاه‌ترین راه وصول به هدف است و از لحاظ کیفی نیز منع اسراف به معنای رعایت

حد اعتدال و عدالت در امور معنوی و مادی است (شیرازی، ۱۴۰۸: ۹، ۱۰۷).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مال متعلق به خداست و به‌صورت امانت در دست انسان‌هاست و آن‌ها حق دارند در حد اقتصاد

(حد میانه و متعارف) مصرف کنند و نباید مرتکب اسراف شوند (طباطبایی، ۱۹۷۳: ۸، ۹۳).

مرحوم نراقی در تعریف اسراف نوشته‌اند:

اسراف تجاوز از حد است و مقصود از حد، حد اعتدال و وسط بین تقتیر و اسراف است این حد وسط قصد و اقتصاد نامیده شده است (نراقی، بی تا: ۲۲۰).

و سپس می نویسد:

مراد از حد وسط آن چیزی است که عرفاً «متوسط» نامیده می شود زیرا مرجع شناخت مفهومی های لغوی، عرف است و برای شناخت حد متعارف باید به عرف رجوع کرد (همان: ۲۲۱).

در این باره باید گفت اسراف یک گروه با گروه دیگر متفاوت است چرا که از لحاظ شأن و موقعیت بین افراد یک جامعه تفاوت وجود دارد. در برخی از روایت ها نیز در بیان حدهای اسراف به مسئله شأن و موقعیت افراد توجه شده است.

تعریف عملیاتی اسراف

آنچه از تعریف اسراف چه از لحاظ لغوی و چه اصطلاحی از روایت ها و کلام فقیهان فهمیده می شود در ظاهر این است که اسراف، مصرف مازاد بر حد متوسط و متعارف است. در این مقاله به تبعیت از ظاهر کلام محققان در تعریف اسراف، بهترین ملاک برای اندازه گیری کمی اسراف در مصرف، مصرف بیش از حد وسط جامعه فرض شده است. البته برای رعایت نسبیّت و شأن که از روایت ها نیز فهمیده می شود. مصرف فرد را با مصرف متوسط طبقه هم شأن وی مقایسه می کنیم. بر این اساس به صورت قراردادی تعریف ذیل را برای بیان میزان اسراف فرد در مقاله به کار برده ایم:

مصرف متوسط طبقه هم شأن - سطح مصرف فرد = میزان اسراف فرد

هرچه حاصل فرمول پیش گفته بزرگتر باشد فرد مقدار بیشتری از اموال خود را اسراف می کند البته مقدار مثبت آن بیانگر میزان اسراف است. اگر منفی یا صفر باشد فرد دچار اسراف نشده است البته اگر قدر مطلق عدد منفی، بزرگ باشد به گونه ای که سطح مصرف فرد به رغم داشتن درآمد کافی با سطح متعارف فاصله قابل توجهی داشته باشد ممکن است فرد دچار تقتیر (تنگ نظری در مصرف) شده باشد که در حال حاضر از بحثمان خارج است.

برای اندازه گیری مصرف متوسط در مقاله، خانوارها از لحاظ مخارج مصرفی به سه گروه تقسیم شده اند: گروه نخست، خانوارهایی هستند که سطح مصرفشان کمتر از صد

هزار تومان بوده است. گروه دوم، خانوارهایی هستند که سطح مصرفشان بین صد تا دویست هزار تومان بوده و گروه سوم، شامل خانوارهایی است که سطح مصرفشان بیشتر از دویست هزار تومان است. خانوارها از لحاظ سطح درآمد نیز به همین صورت تقسیم‌بندی شده‌اند. گروه نخست با سطح درآمد پایین (کمتر از ۱۰۰ هزار تومان)، گروه دوم با سطح درآمد متوسط (بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان) و گروه سوم با سطح درآمد بالا (درآمد بالاتر از ۲۰۰ هزار تومان).

مصرف متوسط و درآمد متوسط هر یک از سه گروه محاسبه و سطح مصرف هر خانواده با آن مقایسه شده است. مازاد مصرف هر خانواده‌ای که از مصرف متوسط طبقه خود بالاتر باشد اسراف شمرده شده است.

هدف و روش

هدف اصلی از تحقیق، شناخت درجه ایمان و اعتقاد به یکی از اصول مقیده در حیطه رفتارهای مصرفی خانوار مسلمان مبنی بر منع اسراف و رابطه آن‌ها با ویژگی‌های ساختاری و زمینه‌ای جامعه مورد مطالعه است.

روش این مطالعه، روش پیمایشی است که در آن جمع‌آوری اطلاعات از راه تکمیل پرسشنامه صورت گرفته و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های شناخته‌شده آماری استفاده شده و از نرم‌افزار SPSS برای پی‌بردن به رابطه‌های معناداری متغیرها استفاده شده است.

جامعه آماری و واحد نمونه‌گیری

مطالعه حاضر در شهر یزد انجام شده و واحد نمونه‌گیری در بخش مصرف سرپرست خانوارهای ساکن در شهر یزد بوده و مسلمان بودن از جمله ویژگی‌های عمومی پاسخ‌گویان بوده است. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام شده است.

تعداد نمونه

برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران $n = \frac{z^2pq}{e^2}$ n بنابر آنچه در مطالعه‌های اجتماعی مرسوم است استفاده شده که با توجه به اینکه از توزیع متغیرهای مورد بحث در

جامعه اصلی اطلاع دقیقی وجود نداشت بنابراین مقدار $q=p=0/5$ در نظر گرفته شده که بیشترین حالت ممکن است و بالاترین میزان نمونه را به ما می‌دهد. مقدار e (ضریب خطا) برابر با $0/05$ در نظر گرفته شده است و چون آمار Z با مقدار $e=0/05$ به‌طور تقریبی برابر با $1/96$ است بنابراین حجم نمونه برابر است با:

$$n = \frac{(1/96)^2 (0/5)^2}{(0/05)^2} = 384$$

از این‌رو برای اطمینان، حداقل به 400 خانوار ساکن در شهر یزد که به‌طور کامل به‌صورت تصافی ساده انتخاب شده بودند، برای تکمیل پرسشنامه مراجعه شده و تعداد 388 عدد از پرسشنامه‌ها به‌طور کامل پر و 12 پرسشنامه به‌علت داشتن نواقص جدی حذف شد و تجزیه و تحلیل حاضر بر مبنای نتیجه‌های استخراج شده از 388 خانوار صورت گرفته است.

برای اطمینان از اعتبار پرسشنامه از افراد خبره نظرخواهی شده و نیز با تکمیل 20 پرسشنامه پیش از پرسشگری و بررسی آن‌ها اشکال‌های احتمالی پرسشنامه برطرف شده است. کار گردآوری اطلاعات در پاییز 1384 صورت گرفته است.

نکته قابل توجه درباره گردآوری اطلاعات این است که با توجه به مشکل‌هایی که به‌طور معمول به‌علت مسایل فرهنگی، در اظهار درآمد در جامعه ما وجود داشته کوشیده شده میزان درآمد افراد از دو راه سنجیده شود. راه نخست؛ به‌صورت مستقیم درآمد افراد مورد پرسش واقع شود و راه دوم؛ برای چک کردن میزان درستی آن، میزان مخارج خانواده در طول یک سال به‌صورت غیرمستقیم مورد پرسش قرار گرفته است و در این‌گونه مطالعه‌های اجتماعی و اقتصادی این امر سابقه دارد که به جای متغیر درآمد از متغیر مخارج خانوار به‌صورت جانشینی برای درآمد استفاده می‌شود زیرا تجربه نشان داده است که اظهار میزان هزینه‌ها به واقعیت نزدیکتر است تا اظهار میزان درآمد. به هر حال گرچه میزان پاسخ‌های داده‌شده طبق آنچه گفته شد نمی‌تواند بدون خدشه باشد ولی به ناچار تجزیه و تحلیل فعلی با این فرض صورت گرفته که میزان خدشه به صفر نزدیک باشد.

متغیرهای مورد بررسی و مشخصات آنها

عنوان متغیر	نوع متغیر	مشخصات متغیر
جنس	مستقل	اسمی
سن	مستقل	فاصله‌ای
شغل	مستقل	اسمی
سطح تحصیلات	مستقل	رتبه‌ای
تعداد افراد تحت تکفل	مستقل	نسبی
التزام به منع اسراف	وابسته	رتبه‌ای - اسمی
اعتقاد به منع اسراف	وابسته	اسمی یا مرتبه‌ای
سطح درآمد	مستقل	فاصله‌ای
سطح مخارج	مستقل	فاصله‌ای

ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه مورد بررسی

تعداد افرادی که در شهر یزد درباره اسراف مورد مطالعه واقع شده‌اند، ۳۸۸ نفر بوده‌اند که از این تعداد ۹۲/۸ درصد مرد و ۷/۲ درصد زن هستند (جدول ۱).

از لحاظ سن ۳۰/۴ درصد در گروه سنی ۲۸-۱۸ ساله، ۳۹/۸ درصد در گروه سنی ۲۹-۱۸ ساله، ۱۷ درصد در گروه سنی ۴۹-۴۰ ساله، ۸/۸ درصد در گروه سنی ۴۹-۵۰ ساله و ۴/۱ درصد در گروه سنی بالاتر از ۶۰ سال هستند (جدول ۲).

از لحاظ تحصیلات ۴/۴ درصد بی‌سواد بوده و ۱۷ درصد، تحصیلات ابتدایی و ۳/۸ درصد تحصیلات راهنمایی، ۵۱/۶ درصد دیپلم و ۳۲/۱ درصد تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند (جدول ۳).

از لحاظ وضعیت تأهل ۲۹/۹ درصد مجرد و ۶۹/۶ درصد متاهل هستند (جدول ۴).

از لحاظ افراد تحت تکفل، ۷۱/۱ درصد، افراد تحت تکفل آنها بین ۱ تا ۴ نفر و بقیه بیش از ۴ نفر هستند (جدول ۵).

از لحاظ نوع شغل ۶۹/۹ درصد شغل آزاد دارند و بقیه مشاغل غیرآزاد از جمله کارگر، کارمند، فرهنگی و ... دارند (جدول ۶).

از لحاظ درآمد، ۳۶/۶ درصد درآمدی کمتر از ۱۰۰ هزار تومان، ۴۰/۷ درصد درآمدی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان و ۲۲/۷ درصد درآمدی بیش از ۲۰۰ هزار تومان دارند (جدول ۷). از لحاظ مخارج مصرفی ۴۰/۷ درصد مخارجی کمتر از ۱۰۰ هزار تومان، ۳۴/۵ درصد مخارج مصرفی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان، ۲۴/۷ درصد مخارجی بیش از ۲۰۰ هزار تومان دارند (جدول ۸).

جدول ۱: توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب جنس

جنس	تعداد	فراوانی
مرد	۳۶۰	۹۲/۸
زن	۲۸	۷/۲
جمع	۳۸۸	۱۰۰

جدول ۲: توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب سن

فراوانی	تعداد	گروه سنی
		(سال)
۳۰/۴	۱۰۴	۱۸-۲۸
۳۹/۸	۱۳۶	۲۸-۳۹
۱۷	۵۸	۴۰-۴۹
۸/۸	۳۰	۵۰-۵۹
۴/۱	۱۴	۶۰+
۱۰۰	۳۴۲	جمع

جدول ۳: توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب تحصیلات

تحصیلات	تعداد	فراوانی
بی سواد	۱۶	۴/۴
ابتدائی	۶۲	۱۷
راهنمائی	۱۴	۳/۸
دیپلم	۱۸۸	۵۱/۶
فوق دیپلم و بالاتر	۸۴	۲۳/۱
جمع	۳۴۴	۱۰۰

جدول ۴: توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	تعداد	فراوانی
مجرد	۱۱۶	۲۹/۹
متاهل	۲۷۰	۶۹/۶
نامشخص	۲	۰/۵
جمع	۳۸۸	۱۰۰

جدول ۵: توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب تعداد افراد خانوار

افراد خانوار	تعداد	فراوانی
۱-۴	۲۷۶	۷۱/۱
۵ و +	۱۱۲	۲۸/۹
جمع	۳۸۸	۱۰۰

جدول ۶: توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب نوع شغل

نوع شغل	تعداد	فراوانی
کارگر	۱۴	۴
کارمند	۱۴	۴
آزاد	۲۴۲	۶۹/۹
فرهنگی	۷۶	۲۲
جمع	۳۴۶	۱۰۰

جدول ۷: توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب متوسط درآمد ماهیانه

درآمد (هزار تومان)	تعداد	فراوانی
۱۰۰ و -	۱۴۲	۳۶/۶
۱۰۰ تا ۲۰۰	۱۵۸	۴۰/۷
۲۰۰ و +	۸۸	۲۲/۷
جمع	۳۸۸	۱۰۰

جدول ۸: توزیع جمعیت مورد مطالعه برحسب متوسط مخارج ماهیانه

مخارج (هزار تومان)	تعداد	فراوانی
۱۰۰ و -	۱۵۸	۴۰/۷
۱۰۰ تا ۲۰۰	۱۳۴	۳۴/۵
۲۰۰ و +	۹۶	۲۴/۷
جمع	۳۸۸	۱۰۰

یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در بخش نظری آمد یکی از مهمترین اصول مقیده مصرف از دیدگاه اسلامی، منع اسراف است، اسراف از لحاظ شرع حرام است. اسراف به معنای ریخت‌وپاش کمی و کیفی کالا و خدمات و منابع است. از آنجایی که در تعریف اسراف گفته‌اند: تجاوز از حد اعتدال، اسراف است، بنابراین ما با دو معیار کوشیدیم که اسراف در مصرف را اندازه‌گیری کنیم. یکی از راه درآمد و دیگری از راه مخارج مصرفی؛ به عبارت دیگر در این بررسی اسراف به یکی از دو معنای ذیل تعریف و اندازه‌گیری شده است:

ا. اسراف فرد، میزان مصرف بیش از حد متوسط درآمد جامعه یا درآمد طبقه هم‌شان است؛
 ب. اسراف فرد، مصرف بیش از حد متوسط مصرف جامعه یا مصرف طبقه هم‌شان است.
 در حقیقت حد متعارف را حد وسط گرفته‌ایم. علت این است که به‌طور معمول بیشترین و معمول‌ترین فراوانی، حد وسط است (برای متغیرهایی که توزیع نرمال دارند). بنابراین هر کس بیش از متوسط مصرف جامعه یا طبقه هم‌شان خود مصرف کند، مرتکب اسراف شده است و اگر درآمد را ملاک قرار دهیم هر کس بیش از حد متوسط درآمد جامعه یا طبقه هم‌شان خود مصرف کند، دچار اسراف شده و فردی مسرف خواهد بود. نتیجه‌های استخراج داده‌ها براساس تعریف نخست در جدول ۱۰ و براساس تعریف دوم در جدول ۱۱ آمده است.

براساس معیار نخست، ۵۶/۴ درصد از افراد مورد مطالعه دچار اسراف و براساس معیار دوم، ۵۸/۱ درصد از افراد مورد مطالعه مرتکب اسراف شده‌اند. این دو عدد بسیار به هم نزدیک هستند، بنابراین به نظر می‌رسد هر دو معیار به یک اندازه می‌توانند پدیده اسراف را توضیح دهند. از لحاظ درجه اعتقاد نیز ۵۷/۸ درصد التزام به منع اسراف ندارند، تفصیل نتیجه‌های این بررسی در جدول‌های ۱۰ و ۱۱ درج شده است که در ذیل به صورت مختصر اشاره می‌شود:

۱. جنس و اسراف: مردان براساس معیار نخست و معیار دوم بیش از زنان اسراف می‌کنند (۶۶/۹ درصد و ۴۵ درصد در مقابل صفر درصد) و این تفاوت از لحاظ آماری به‌طور کامل معنادار است ($P = 0/000$ و $x^2 = 19/9$ و $P = 0/000$ و $x^2 = 18/57$). اما درجه اعتقاد به اصل پیش‌گفته با جنسیت رابطه معنادار ندارد ($x^2 = 7/6$ و $P = 0/106$) (جدول ۱۲)؛

۲. سن و اسراف: بین رفتار مسرفانه و سن براساس معیار نخست و دوم رابطه معناداری وجود دارد ($x^2 = 44$ و $P = 0/000$ و $x^2 = 43/99$ و $P = 0/000$). با افزایش سن میزان اسراف افزایش یافته است. شاید علتش رابطه‌ای است که بین سن، درآمد و مصرف وجود دارد. افراد با گروه سنی بالا میزان درآمد و مصرف بالاتری دارند. با افزایش سن، درجه اعتقاد به منع اسراف کاهش یافته و این رابطه معنادار است ($x^2 = 44$ و $P = 0/00$) بنابراین هر چه اعتقاد به منبع اسراف کاهش یافته، ارتکاب به فصل اسراف افزایش یافته است؛

۳. تحصیلات و اسراف: افراد بی‌سواد بیش از دارندگان دیگر مدارج تحصیلی مرتکب اسراف شده‌اند و البته این تفاوت‌ها تصادفی بوده و از لحاظ آماری به احتمال ۹۵ درصد معنادار نیستند ($x^2 = 3/3$ و $P = 0/49$ و $x^2 = 4/6$ و $P = 0/32$).

از لحاظ اعتقاد نیز با افزایش تحصیلات درجه اعتقاد به اسراف کاهش یافته است و این رابطه از لحاظ آماری معنادار است ($x^2 = 77/7$ و $P = 0/000$).

۴. وضعیت تأهل و اسراف: افراد متأهل بیش از افراد مجرد مرتکب اسراف شده‌اند و این رابطه از لحاظ آماری معنادار است ($x^2 = 28/3$ و $P = 0/000$ و $x^2 = 32/6$ و $P = 0/08$).

۵. بین تعداد افراد تحت تکفل و میزان اسراف هیچ‌گونه رابطه معناداری وجود ندارد ($x^2 = 2/85$ و $P = 0/91$ و $x^2 = 8/68$ و $P = 0/69$).

۶. نوع شغل و منع اسراف: دارندگان مشاغل آزاد بیش از کارمندان و کارگران مرتکب اسراف می‌شوند و این رابطه از لحاظ آماری تصادفی نیست و معنادار است ($P = 0/008$ و $x^2 = 19/8$ و $P = 100$ و $x^2 = 23/8$). از لحاظ درجه اعتقاد هیچ‌گونه رابطه معناداری بین نوع شغل و درجه اعتقاد به منع اسراف وجود دارد ($x^2 = 17$ و $P = 0/149$).

۷. درآمد و منع اسراف: با افزایش سطح درآمد میزان اسراف افزایش یافته است و این رابطه از لحاظ آماری معنادار است ($x^2 = 73$ و $P = 0/00$ و $x^2 = 80/2$ و $P = 0/000$) و با افزایش درآمد درجه التزام به اصل پیش‌گفته کاهش نیز یافته است و این رابطه از لحاظ آماری معنادار است ($x^2 = 19/6$ و $P = 0/012$).

۸. افزایش درجه اسراف بر اثر افزایش مخارج مصرفی: با افزایش مخارج مصرفی درجه اسراف افزایش یافته و این رابطه معنادار است ($x^2 = 217$ و $P = 0/000$ و $x^2 = 212$). از لحاظ درجه التزام نیز با افزایش مخارج مصرفی، درجه التزام به منع اسراف کاهش یافته است و این رابطه معنادار است ($x^2 = 15/5$ و $P = 0/006$).

در مجموع براساس معیار درآمد، ۴۱/۹ درصد از افراد مورد مطالعه دچار اسراف می‌شوند و براساس معیار مخارج ۴۳/۶ درصد. میزان اسراف با جنس، سن، تحصیلات، وضعیت تاهل، نوع شغل، درآمد و مخارج مصرفی رابطه معنادار دارد و درجه اعتقاد به اصل پیش گفته برابر با ۵۷/۸ درصد است و میزان آن با سن، تحصیلات، افراد تحت تکفل، سابقه کار، درآمد و مخارج مصرفی رابطه معنادار دارد.

جدول ۱۰: اسراف و عدم اسراف براساس معیار مخارج مصرفی

X ² P	اسراف		عدم اسراف		پاسخ‌ها	
	%	ت	%	ت	مشخصات افراد	
۴۹/۹۴۸ ۰/۰۰۰	۴۶/۹	۱۵۰	۵۳/۱	۱۷۰	مرد	جنس
	.	.	۱۰۰	۲۴	زن	
۴۳/۱۹۵ ۰/۰۰۰	۱۸/۶	۱۶	۸۱/۴	۷۰	۱۸-۲۸	سن
	۴۳/۸	۵۵	۵۶/۳	۷۲	۲۹-۳۸	
	۶۵/۴	۳۴	۳۴/۶	۱۸	۳۹-۴۸	
	۶۹/۲	۱۸	۳۰/۸	۸	۴۹-۵۸	
	۷۱/۴	۱۰	۲۸/۶	۴	۵۹ و +	
۳/۳۹۹ ۰/۴۹۳	۶۲/۵	۱۰	۳۷/۵	۶	بی‌سواد	تحصیلات
	۴۱/۴	۲۴	۵۸/۶	۳۴	ابتدایی	
	۶۰	۶	۴۰	۴	سیکل	
	۴۳/۴	۷۲	۵۶/۶	۹۴	دیپلم	
	۴۵/۹	۳۴	۵۴/۱	۴۰	فوق دیپلم	
۳۲/۶۷۴ ۰/۰۸۰	۲۰	۲۰	۸۰	۸۰	مجرد	وضعیت تاهل
	۵۴	۱۳۰	۴۶	۱۱۲	متاهل	
۳/۰۶۵ ۰/۰۸۰	۴۰/۷	۱۰۰	۵۹/۳	۱۴۶	۴-۱	تعداد خانوار
	۵۱	۵۰	۴۹	۴۸	۵ و +	
۱۱/۸۷۱ ۰/۰۰۸	۱۴/۳	۲	۸۵/۷	۱۲	کارگر	نوع شغل
	۱۴/۳	۲	۸۵/۷	۱۲	کارمند	

	۴۸/۶	۱۰۸	۵۱/۴	۱۱۴	آزاد	
	۴۲/۲	۲۸	۵۴/۸	۳۴	فرهنگی	
۷۳/۸۳۱ ۰/۰۰۰	۱۸	۱۱۸	۸۲	۸۲	۱۰۰- و	درآمد
	۳۹/۷	۶۲	۶۰/۳	۹۴	۱۰۰-۲۰۰	
	۷۹/۵	۷۰	۲۰/۵	۱۸	۲۰۰+ و	
۲۱۲/۹ ۰/۰۰۰	۰	۰	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰- و	مخارج
	۴۰/۳	۵۴	۵۹/۷	۸۰	۱۰۰-۲۰۰	
	۱۰۰	۹۶	۰	۰	۲۰۰+ و	
	۴۳/۶	۱۵۰	۵۶/۴	۱۹۴	کل	

جدول ۱۱: اسراف و عدم اسراف براساس معیار درآمد

X ² P	اسراف		عدم اسراف		پاسخها	
	%	ت	%	ت	مشخصات افراد	
۱۸/۵۷ ۰/۰۰۰	۴۵	۱۴۴	۵۵	۱۷۶	مرد	جنس
	۰	۰	۱۰۰	۲۴	زن	
۴۴/۴۴۵ ۰/۰۰۰	۱۶/۳	۱۴	۸۳/۷	۷۲	۱۸-۲۸	سن
	۴۲/۲	۵۴	۵۷/۸	۷۴	۲۹-۳۸	
	۶۱/۵	۳۲	۳۸/۵	۲۰	۳۹-۴۸	
	۶۹/۲	۱۸	۳۰/۸	۸	۴۹-۵۸	
	۷۱/۴	۱۰	۲۸/۶	۴	۵۹+ و	
۴/۶۸۶ ۰/۳۲۱	۶۲/۵	۱۰	۳۷/۵	۶	بی سواد	تحصیلات
	۴۱/۴	۲۴	۵۸/۶	۳۴	ابتدایی	
	۶۰	۶	۴۰	۴	سیکل	
	۳۹/۸	۶۶	۶۰/۲	۱۰۰	دیپلم	
	۴۵/۹	۳۴	۵۴/۱	۴۰	فوق دیپلم	
۲۸/۳۲۹ ۰/۰۰۰	۲۰	۲۰	۸۰	۸۰	مجرد	وضعیت تأهل
	۵۱	۱۲۴	۴۹	۱۲۰	متاهل	
۲/۸۵۴ ۰/۰۹۱	۳۹	۹۶	۶۱	۱۵۰	۴-۱	تعداد خانوار
	۴۹	۴۸	۵۱	۵۰	۵+ و	
۲۳/۲۸۹	۰	۰	۱۰۰	۱۴	کارگر	نوع شغل

. / ۰۰۰	.	.	۱۰۰	۱۴	کارمند	
	۴۷/۷	۱۰۶	۵۲/۳	۱۱۶	آزاد	
	۴۵/۲	۲۸	۵۴/۸	۳۴	فرهنگی	
۸۰/۲۳۴ . / ۰۰۰	۱۶	۱۶	۸۴	۸۴	۱۰۰- و	درآمد
	۳۷/۲	۵۸	۶۲/۸	۹۸	۱۰۰-۲۰۰	
	۷۹/۵	۷۰	۲۰/۵	۱۸	+ و ۲۰۰	
۲۱۷/۴۲۲ . / ۰۰۰	.	.	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰- و	مخارج
	۳۵/۸	۴۸	۶۴/۲	۸۶	۱۰۰-۲۰۰	
	۱۰۰	۹۶	.	.	+ و ۲۰۰	
	۴۱/۹	۱۴۴	۵۸/۱	۲۰۰	کل	

جدول ۱۲: توزیع جامعه مورد مطالعه بر حسب درجه اعتقاد به منع اسراف

X ² p	نظری ندارم		مخالقم		به طور کامل مخالقم		موافقم		به طور کامل موافقم		پاسخها	
	%	ت	%	ت	%	ت	%	ت	%	ت	مشخصات افراد	
۷/۶۲۹ . / ۱۰۶	۹/۶	۳۲	۲/۴	۸	۱۴/۴	۴۸	۲۶/۳	۸۸	۴۷/۳	۱۵۸	مرد	
	۷/۱	۲	۲۱/۴	۶	۷۱/۴	۲۰	زن	
۴۶/۶۴۰ . / ۰۰۰	۱۰/۲	۱۰	.	.	۱۲/۲	۱۲	۲۶/۵	۲۶	۵۱	۵۰	۱۸-۲۸	
	۹/۲	۱۲	۱/۵	۲	۱۲/۳	۱۶	۲۶/۲	۳۴	۵۰/۸	۶۶	۲۹-۳۸	
	۱۱/۵	۶	.	.	۱۱/۵	۶	۲۳/۱	۱۲	۵۳/۸	۲۸	۲۹-۲۸	
	.	.	۱۴/۳	۴	۲۸/۶	۸	۲۸/۶	۸	۲۸/۶	۸	۴۹-۵۸	
	۳۳/۳	۴	.	.	۱۶/۷	۲	۳۳/۳	۴	۱۶/۷	۲	+ و ۵۹	
۷۷/۷۲۵ . / ۰۰۰	۱۶/۷	۲	۳۳/۳	۴	۱۶/۷	۲	۱۶/۷	۲	۱۶/۷	۲	بی سواد	
	۱۰	۶	.	.	۲۶/۷	۱۶	۱۳/۳	۸	۵۰	۳۰	ابتدایی	
	۱۶/۷	۲	.	.	۱۶/۷	۲	۵۰	۶	۱۶/۷	۲	سیکل	
	۵/۸	۱۰	۱/۲	۲	۱۱/۶	۲۰	۲۹/۱	۵۰	۵۲/۳	۹۰	دیپلم	
	۱۲/۲	۱۰	۲/۴	۲	۹/۸	۸	۲۹/۳	۲۴	۴۶/۳	۳۸	فوق دیپلم	
۸/۶۸۷ . / ۰۶۹	۹/۴	۲۴	۰/۸	۲	۱۴/۲	۳۶	۲۵/۲	۶۴	۵۰/۴	۱۲۸	۴-۱	
	۷/۴	۸	۵/۶	۶	۱۳	۱۴	۲۷/۸	۳۰	۴۶/۳	۵۰	+ و ۵	

۱۷/۰۲۱ ۰/۱۴۹	۰	۰	۰	۰	۱۶/۷	۲	۰	۰	۸۳/۳	۱۰	کارگر	نوع شغل
	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۰	۶	۵۰	۶	کارمند	
	۷/۱	۱۶	۳/۶	۸	۱۳/۴	۳۰	۲۵/۹	۵۸	۵۰	۱۱۲	آزاد	
	۱۰/۳	۶	۰	۰	۱۸/۹	۱۴	۲۷	۲۰	۴۵/۹	۳۴	فرهنگی	
۱۹/۶۶۲ ۰/۰۱۲	۱۲/۳	۱۴	۲/۹	۴	۱۶/۲	۲۲	۲۵	۳۴	۴۵/۶	۶۲	- و ۱۰۰	درآمد
	۰	۱۸	۰	۰	۱۱	۱۶	۲۸/۸	۴۲	۴۷/۹	۷۰	۱۰۰-۲۰۰	
	۱۱/۷	۰	۵	۴	۱۵	۱۲	۲۲/۵	۱۸	۵۷/۵	۴۶	+ ۲۰۰	
۱۵/۵۴۵ ۰/۰۰۶	۸/۲	۱۸	۱/۳	۲	۱۳	۲۰	۲۴/۷	۳۸	۴۹/۴	۷۶	- و ۱۰۰	مخارج
	۴/۷	۱۰	۰	۰	۱۶/۴	۲۰	۲۱/۳	۲۶	۵۴/۱	۶۶	۱۰۰-۲۰۰	
	۸۸	۴	۷	۶	۱۱/۶	۱۰	۳۴/۹	۳۰	۴۱/۹	۳۶	+ ۲۰۰	
		۳۲	۲/۲	۸	۱۳/۸	۵۰	۲۶	۹۴	۴۹/۲	۱۷۸	کل	

نتیجه گیری

در مقاله به دنبال شناخت میزان ایمان و پایبندی به یکی از اصول مقیده دینی در حوزه مصرف یعنی اسراف بودیم. با مراجعه به منابع و ادبیات مربوط به بحث مصرف و اسراف در اقتصاد اسلامی، اسراف را به صورت ذیل تعریف کردیم:

اسراف عبارت است از مصرف بیش از حد متعارف، و حد متعارف را حد وسط یا میانگین معین تعریف کردیم. با این تعریف از آنجایی که حد وسط معرف، از یک جامعه به جامعه دیگر و از یک طبقه به طبقه دیگر متفاوت است بنابراین برحسب میزان درآمد و مخارج مصرفی خانوار جامعه را به سه طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم کردیم و با به دست آوردن میزان متوسط مصرف در هر طبقه و مقایسه آن با مصرف خانوارهایی که بیش از حد متوسط مصرف طبقه خود مصرف کرده اند جز خانوارهای مسرف تعریف کردیم، سپس رابطه اسراف را با متغیرهایی چون سطح درآمد، مخارج مصرفی، تحصیلات، سن، جنس، وضعیت تأهل، تعداد افراد تحت تکفل و نوع شغل، مورد مطالعه قرار گرفت که در مجموع می توان نتیجه های به دست آمده را به شرح ذیل جمع بندی کرد:

۱. اگر مصرف بیش از حد متوسط طبقه هر خانواری را اسراف تعریف کنیم، ۴۳/۶ درصد از خانوارهای مورد مطالعه مرتکب اسراف می شوند و اگر مصرف بیش از حد متوسط درآمد را ملاک قرار دهیم ۴۱/۹ درصد از خانوارها دچار اسراف می شوند؛

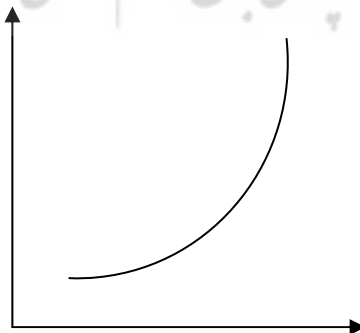
۲. ۵۴/۲ درصد از خانوارهای مورد مطالعه اعتقاد راسخی درباره تحریم اسراف ندارند و اعتقاد ندارند که انسان اجازه ندارد درآمد و ثروت خود را به هر میزان که می‌خواهد مصرف کند. و نتیجه آن این است که بیش از ۴۲ درصد آن‌ها مرتکب اسراف می‌شوند. به عبارت دیگر، از دو نتیجه مهم به دست آمده نتیجه گرفته می‌شود که مشکل اسراف در جامعه، یک مسأله فرهنگی است و برای رفع آن احتیاج به فرهنگ‌سازی است، هرچه ایمان مردم به تحریم اسراف و ممنوعیت آن افزایش یابد کمتر مرتکب اسراف می‌شوند. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه، به اسراف و تبذیر دامن زده است. روحیه‌ای که به صورت عنصر فرهنگی در بُرهه‌ای از زمان برای دنیای صنعتی نقش مثبتی ایفا کرد و به رشد و توسعه کالاهای خدمات ساخت خودشان کمک کرد، در جامعه ما، به صورت عنصر ضد توسعه‌ای عمل می‌کند بنابراین فرهنگ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در سطح مطلوبی قرار ندارد؛

۳. مسأله مهم دیگری که از یافته‌های مهم این مطالعه نتیجه گرفته می‌شود این است که میزان اسراف با برخی از متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای به شرح ذیل ارتباط معنادار دارد؛

۳-۱. میزان اسراف با سن رابطه مثبت دارد و این خلاف انتظار اولیه است بنابراین، این سخن که نسل جدید با قبول ارزش‌های مادی جدید ممکن است به هنجارهای آن بیشتر عمل کنند دست‌کم در مورد اسراف مصداق ندارد؛

۳-۲. زنان از مردان صرفه‌جوتر هستند، این زمینه مثبتی است که می‌تواند در تربیت نسل‌های آینده برای نهادینه کردن فرهنگ صرفه‌جویی نقش امیدوارکننده‌ای داشته باشد؛

۳-۳. با افزایش سطح درآمد میزان اسراف افزایش یافته است البته نه به صورت خطی بلکه به صورت یک تابع درجه دو. به عبارت دیگر، با نمودار ذیل رابطه بین اسراف و سطح درآمد را در جامعه مورد مطالعه به دست می‌آید.



۴-۳. به‌طور دقیق رابطه‌ای که بین اسراف و سطح درآمد وجود دارد، بین مخارج مصرفی خانوار و وقوع اسراف نیز وجود دارد. خانوارهایی که مخارج مصرفی بالاتری دارند بیشتر مرتکب اسراف شده‌اند و چون مخارج خانوار مصرفی تابعی از سطح درآمد است یا بهترین جانشین برای سطح درآمد، بنابراین به‌نظر می‌رسد برای اجرای سیاست‌های تشویقی و بازدارنده باید به این متغیر توجه اساسی کرد؛

۳-۵. دیگر متغیرها مانند سطح تحصیلات و تعداد افراد خانوار اثر معناداری بر میزان اسراف ندارند و این خود می‌رساند که اسراف مختص افراد تحصیل‌کرده یا افراد بی‌سواد نیست بلکه پدیده‌ای شایع است و آموزش‌های لازم برای صرفه‌جویی در متن‌ها و محتوای آن‌ها به اندازه کافی وجود نداشته است که رفتار افراد تحصیل‌کرده را از افراد بی‌سواد یا دارای تحصیلات کمتر متفاوت و معنادار کند.

در پایان به‌نظر می‌رسد مناسب است پدیده اسراف نه فقط در سطح کلان مخارج مصرفی بلکه در تک‌تک سبد مصرفی خانوار در منطقه‌های گوناگون کشور مورد مطالعه قرار گیرد تا بتوان یک تصویر روشنتری از این پدیده شوم در سطح منطقه‌های گوناگون کشور به‌دست آورد و متناسب با آن درباره برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی مناسب اقدام کرد.

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. ابراهیمی، محمدحسین، ۱۳۷۵ش، *اقتصاد در قرآن*، قم: حوزه علمیه قم.
۲. احسانی، یدالله، ۱۳۷۷ش، *اسراف چرا؟*، تهران: رامین.
۳. اصفهانی، راغب، بی تا، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: المكتبة الرضویه.
۴. بیستونی، محمد، ۱۳۷۷ش، *فقر و ثروت از دیدگاه اسلام*، تهران: همگامان چاپ.
۵. تواناییان فرد، حسن، ۱۳۵۸ش، *تئوری مصرف در اسلام*، تهران: آزاده.
۶. حرّ عاملی، ۱۲۹۱ق، *وسایل الشیعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چهارم.
۷. رفیعی محمدی، ناصر، ۱۳۷۶ش، *آفت سرمایه‌ها، اسراف و تبذیر*، سمنان: دانشگاه سمنان.
۸. سیدعلوی، ابراهیم، ۱۳۷۶ش، *اسراف، ولخرجی، اقتصاد و... در فرهنگ اسلامی*، قم: مؤسسه باقیات صالحات.
۹. سیزده تن اندیشمند و اقتصاددان، ۱۳۷۵ش، *اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، ترجمه حسین صادقی، تهران: پژوهشکده تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. شیرازی، سیدمحمد، ۱۴۰۸ق، *الفقه الاقتصاد*، بیروت: دارالعلوم.
۱۱. صدر، سیدکاظم، ۱۳۷۴ش، *اقتصاد صدر اسلام*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۹۷۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، سوم.
۱۳. غروی، اسماعیل، ۱۳۶۸ش، *اسراف و قناعت از نظر اسلام*، قم: دارالنشر.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، قم: مؤسسه انتشارات وفا، سوم.
۱۵. محمدی اشتهادی، محمد، ۱۳۹۸، *پیکار اسلام با اسراف*، قم: شفق.
۱۶. _____، ۱۳۶۲ش، *اسراف بلای خانمانسوز*، تهران: مطهر.
۱۷. محمودی، عباس علی، ۱۳۶۲ش، *اسراف و تبذیر*، تهران: بعثت.
۱۸. مطهر، محمد، ۱۳۸۰ش، *اسراف - بیت المال از منظر قرآن و اهل بیت*، قم: الهادی.

۱۹. موسایی، میثم، ۱۳۷۴ش، دین و فرهنگ توسعه، تهران: معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. _____، ۱۳۸۰ش، مبانی و جهت‌گیری کلی اقتصادی در نهج‌البلاغه، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۲۱. _____، ۱۳۸۳ش، کتابشناسی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. نراقی، ملااحمد، بی‌تا، عواید‌الایام، قم: انتشارات بصیرت.

ب. انگلیسی

1. Ebrahim, M. 1999, *Optimal Consumption Asset Financing An Islamic Perspective* International Conference on Islamic Economics in the 21 Century ILUM, kuala Lumpur, Malaysia.
2. Khan, M. Fahim ,1980 *Macro Consumption in Islamic Framework in M. Fahim Khan 1980.*
3. Khan, M. Fahim ,1983, Implications of Islamic Consumption Foundation Patterns for Saving Growth and Distribution in an a Macro – economic Framework, Paper Presented to the Second International Conference on Islamic Economics held at Islamabad.
4. Khan, M. Fahim ,1985, Macro Consumption Foundation in an Islamic Framework, JRLE.
5. Monzar Kahf, A. 1981, A Contribution to the Theory of Consumer Behavior in an Islamic society, in khorshid Ahmad (ed) studies in Islamic Economics, Jeddeh: ICRTE.
6. Solama, Abedin Ahmad ,1984, Provision of Basic Needs in an Islamic State; Journal of Research in Islamic Economics, vol 1, No. 2.
7. Zaman, Asad ,1987, Microfoundations for the Basic Needs, Approach to Development: the Linico – Graphic Utility Function, Pakistan: Journal of Applied Economics, vol 5, No.1.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی